

خدا همیشه برای ما و خیریت ما می کوشد

دبلیو. رابرت گادفری

مزمور ۱۸ یکی از مزامیر داوود است، سرودی در تمجید روزی که «خداوند او را از دست تمام دشمنانش و دستان شائول رهایی بخشید.» این مزمور، طولانی‌ترین مزمور کتاب اول، خدا را برای خلاصی بخشیدن او ستایش می‌کند. این متن همچنین با تفاوتی اندک در باب ۲۲ کتاب دوم سموئیل ثبت شده است. در مرکز این مزمور، یک اعتراف ایمان قوی وجود دارد: «خویشتن را با رحیم، رحیم می‌نمایی» (آیه ۲۵).

این مزمور با ستایش خدا آغاز می‌شود (آیات ۱-۶) و پایان می‌یابد (آیات ۴۶-۵۰). ستایشی که سرشار از محبت و شکرگزاری برای حفاظت خدا از دشمنان و مرگ است. این ستایش از پیروزی‌هایی که خدا به پادشاه و قوم خود بخشیده است شادی می‌کند - پیروزی‌هایی که در معرض دید دنیا قرار گرفتند.

بخش مرکزی مزمور (آیات ۲۰-۲۹) وفاداری داوود و خدا را مورد تمجید قرار می‌دهد. داوود خداوند را با راستی خدمت کرد (در ذیل به دشواری‌هایی که به نظر می‌رسد این ادعا را احاطه کرده‌اند نگاه خواهیم کرد). خدا به سهم خودش همیشه قابل اتکا بود و پادشاه خود را برکت داد. در هر دو طرف این تعمق مرکزی بر وفاداری، گزارش یاری قدرتمند خدا به داوود را در دست داریم (آیات ۱۹-۷؛ ۳۰-۴۵). هر کدام از این دو بخش، مشخصه‌های خود را دارند. آیات ۷-۱۹ بر کار خدا در نجات داوود تاکید می‌کنند. آیات ۳۰-۴۵ موفقیت داوود را برجسته می‌کنند که خدا از طریق او عمل کرد.

در پرتو این بررسی اجمالی از ساختار مزمور، می‌خواهیم نگاهی عمیق‌تر به چند نکته داشته باشیم. نخست، داوود چطور می‌تواند ادعای بی‌عیبی کند (آیات ۲۰-۲۴)؟ ادعای بی‌عیبی یک مضمون مکرر در مزامیر است. در مزمور ۱۸، با تحمیلی خاص بیان شده است: «ای خداوند، مرا داد بده زیرا که من در کمال خود رفتار نموده‌ام و بر خداوند توکل داشته‌ام، پس نخواهم لغزید. ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان. زیرا که رحمت تو در مد نظر من است و در راستی تو رفتار نموده‌ام؛ با مردان باطل نشست‌ام و با منافقین داخل نخواهم شد» (آیات ۱-۴). اما اگر نخواهیم فقط از برخی از گناهان داوود نام ببریم، او یک قاتل و زناکار است. چطور می‌تواند ادعای بی‌عیبی کند؟

ما باید تشخیص بدهیم که داوود حتی با اینکه در گناهانی جدی افتاد، یک پیرو سرسپرده و ثابت قدم خداوند بود. وقتی ناتان او را با گناهانش روبرو کرد، توبه کرد و عمیقا برای آنها سوگواری کرد. او توبه‌ی خود را در مزامیر نادمانه‌ی زیبایی مثل مزمور ۳۲ و ۵۱ ابراز کرد. زندگی او به طور کلی با نگهداری وفادارانه‌ی عهد خدا در اطاعت و توبه توصیف می‌شود.

بنابراین، آنچه داوود ادعا می‌کند، کمال اخلاقی مطلق نیست. او آن را با معیاری تشخیص داد که هرگز یارای ایستادگی با آن را نداشت: «بر بنده‌ی خود به محاکمه بر میا. زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود» (مزمور ۱۴۳: ۲). او بیشتر در مقایسه با گناهکارانی که از خدا و پادشاه او تنفر داشتند، مدعی وفاداری خود است. او این مقایسه را انجام نمی‌دهد تا ادعا کند که مستحق لطف خداست یا آن را به دست آورده است، بلکه تا نشان دهد که فیض نجات‌دهنده‌ی خدا او را در شیوه‌ی تفکر، ایمان، و حیات حقیقتا از گناهکاران متفاوت کرده است. داوود خدا و شریعت او را دوست داشت، و بنابراین گناه وی برایش دردآور است و می‌خواهد توبه کند و در پی یک زندگی خدایسندانه باشد. در مقابل، فرد گناهکار خدا و شریعت او را خوار می‌شمرد. آنها خدا را نادیده می‌گیرند و از هر راه ممکن در پی صدمه رساندن به همسایه‌شان هستند.

بار دیگر، داوود ادعا نمی‌کند که درستکاری بی‌عیب او برایش لطف خدا را به بار آورده است. بلکه می‌گوید خدا او را وارد عهد خویش کرده و به او کمالی که صاحب آن است را بخشیده. خداست که «کمر مرا به قوت بسته و راه‌های مرا کامل گردانیده است» (آیه‌ی ۳۲). او متعلق به خداست و از او پیروی می‌کند، به همین دلیل می‌داند که خدا نسبت به وی رحیم خواهد بود. خداوند نه فرد خودپسند، بلکه فروتن را نجات می‌دهد: «زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت» (آیه‌ی ۲۷). تمام قوت او از خداوند است (آیه‌ی ۱) و ایمان یا اعتماد مزمورنویس برای کمک، همیشه بر خدا است (آیه‌ی ۲؛ مقایسه کنید با مزمور ۲۶: ۱: «بر خداوند توکل داشته‌ام، پس نخواهم لغزید»). بنیاد توجه خدا به داوود، استحقاق او نیست، بلکه انتخاب خداست: «مرا نجات داد زیرا که در من رغبت می‌داشت» (آیه‌ی ۱۹).

در حالیکه داوود این مزمور را نوشت و از تمام حقوق برای سراییدن آن برخوردار بود، یک بار دیگر می‌بینیم که مزمور ذهن مرا را به فراتر از داوود، به سوی آن یگانه‌ای می‌برد که بزرگتر و خالص‌تر از اوست. این مزمور بیش از آنکه به داوود تعلق داشته باشد، متعلق به مسیح است که کاملا در همه چیز بی‌عیب بود. پولس در استفاده خود از این مزمور در رومیان ۸: ۹-۱۵، این را نشان می‌دهد. او می‌نویسد: «زیرا می‌گویم عیسای مسیح خادم ختنه‌گردید به جهت راستی خدا تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند، و تا امت‌ها خدا را تمجید نمایند به سبب رحمت او چنانکه مکتوب است که "از این جهت تو را در میان امت‌ها اقرار خواهم کرد و به نام تو تسبیح خواهم خواند"». پولس در استناد به مزمور ۱۸: ۴۹ نشان می‌دهد که این مزمور حداقل به همان اندازه‌ای که درباره‌ی داوود

صحبت می‌کند، درباره‌ی عیسی نیز صحبت می‌کند. در واقع حتی داوود هم فقط اگر در مسیح باشد می‌تواند ادعای کمال عهدی داشته باشد.

ویژگی دیگر این مزمور، این تصویر واضح از خداست که به نجات داوود می‌آید (آیات ۷-۱۵). داوود برای کمک استغاثه کرد (آیه‌ی ۶) و خداوند پاسخ داد. «آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود. بر کروی سوار شده، پرواز نمود و بر بال‌های باد طیران کرد» (آیات ۹-۱۰). خشم خدا زمین را لرزاند (آیات ۷، ۱۵) و رعد و برق پیش روی او می‌رفتند (آیات ۱۲-۱۴). از بینی او دود و از دهانش آتش بیرون می‌آمد (آیات ۸، ۱۵). در اینجا تصویری شگفت‌انگیز از قدرت و عزم خدا برای نجات بخشیدن وجود دارد. اما این چه زمانی در زندگی داوود رخ داد؟ وقتی به تاریخ عهد عتیق نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم چنین بخشی را بیابیم. چیزی شبیه این زمانی رخ داد که خدا در کوه سینا با اسرائیل ملاقات کرد اما داوود هرگز چیزی حتی نزدیک به این را نیز تجربه نکرد.

البته توضیح آن این است که داوود در اینجا از زبان شعری استفاده می‌کند. او آنچه که با چشمان فیزیکی خود دیده است را ثبت نکرده، بلکه آنچه چشمان ایمان او دیده‌اند که رخ داده است. اگرچه این قدرت مهیب خدا معمولاً از نظر پنهان می‌ماند، کاملاً حقیقی است و برای منفعت قوم او به کار می‌رود. خدا همیشه قدرتمندانه و مشتاقانه حتی زمانی که ما نمی‌بینیم، برای قوم خود می‌کوشد. تصور شاعرانه‌ی داوود بیش از آنکه چشمان مان می‌توانند ببینند را به ما نشان می‌دهد.

این حقیقت بارها و بارها در کتاب مقدس تعلیم داده شده است. ما به تعلیم مکرر این موضوع نیاز داریم چون مایلیم که فکر کنیم فقط آنچه مرئی است حقیقت دارد. به تجربه‌ی الیشع فکر کنید. او در دوتان، به نظر بی‌دفاع در برابر قدرت پادشاه آرام نشسته بود. وقتی خادم او ترسان شد، الیشع پاسخ داد: «مترس زیرا آنانی که با مایند از آنانی که با ایشانند بیشترند» (دوم پادشاهان ۶: ۱۶). بعد الیشع برای اینکه تسلی بیشتری به خادم خود بدهد، دعا کرد و خدا کاری شگفت‌انگیز انجام داد. «الیشع دعا کرده، گفت: «ای خداوند چشمان او را بگشا تا ببیند.» پس خداوند چشمان خادم را گشود و او دید که اینک کوه‌های اطراف الیشع از سواران و ارابه‌های آتشین پر است» (آیه‌ی ۱۷). الیشع هرگز در هیچ خطری نبود چون خداوند با او بود.

وقتی مقامات برای دستگیری مسیح در باغ جتسیمانی آمدند، ما شاهد چیزی مشابه هستیم. عیسی ضعیف و بی‌دفاع به نظر می‌رسید. پطرس با وحشت، کوشید تا با شمشیری از او محافظت کند. «آنگاه عیسی وی را گفت: "شمشیر خود را غلاف کن، زیرا هر که شمشیر گیرد، به شمشیر هلاک گردد. آیا گمان می‌بری که نمی‌توانم الحال از پدر خود درخواست کنم که زیاده از دوازده

فوج از ملائکه برای من حاضر سازد؟» (متی ۲۶: ۵۲-۵۳). عیسی از فروماندگی تسلیم دستگیری نشد، بلکه چون اراده‌ی پدر برای مرگ خود و نجات ما را پذیرفت.

این مزمور به همه‌ی ما یادآوری می‌کند که خدا همیشه برای ما و خیریت ما می‌کوشد. یوحنا‌ی رسول در عهد جدید نیز همین را می‌گوید: «او که در شماست، بزرگتر است از آنکه در جهان است» (اول یوحنا ۴: ۴). لازم نیست بترسیم، زیرا خدا در وقت نیکوی خود ما را نجات خواهد داد. ما نیز باید مانند این مزمور، خدا را برای رحمت و یاری او شکر کنیم.

دکتر دبلیو. رابرت گادفری، بعنوان رئیس هیئت مدیره و همچنین یکی از معلمین همکار در سازمان خدمات لیگونیر می‌باشد. ایشان همزمان بعنوان استاد افتخاری در تاریخ کلیسا و همچنین رییس افتخاری در دانشگاه الهیات Westminster Seminary California است. دکتر گادفری معلم درس [بررسی تاریخ کلیسا](#) در سازمان خدمات لیگونیر می‌باشد که این مجموعه در ۶ قسمت ارائه شده است. دکتر گادفری نویسنده‌ی کتاب‌های بسیار می‌باشند که می‌توان به بعضی از آنها در اینجا اشاره کرد: [God's Saving the](#) و [Pattern for Creation, Reformation Sketches, An Unexpected Journey, Learning to Love the Psalms, Reformation](#).

این مقاله در وبسایت [سازمان خدمات لیگونیر](#) منتشر شده است.